

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دوازدهم، شماره سی و چهارم، بهار ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۱۰

صفحات: ۷۵-۹۵

دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران*

سیدحامد عاملی**

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم ارتباطات، ایران، تهران

دکتر زهرا خرازی محمدوندی آذر***

استادیار عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم ارتباطات، ایران، تهران

دکتر افسانه مظفری****

استادیار عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه علوم ارتباطات، ایران، تهران

چکیده

این مقاله تلاش دارد نقش دیپلماسی شبکه‌ای را به‌عنوان مدلی برای دیپلماسی در جهان آینده مورد بررسی قرار دهد. دیپلماسی شبکه‌ای مبتنی بر تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای و به‌طور مشخص‌تر شبکه‌های اجتماعی به‌نظر می‌رسد نقش اساسی و محوری در عرصه دیپلماسی جهان آینده خواهند داشت و تعیین جایگاه و تبیین آن الگویی برای بهره‌گیری دستگاه‌های دیپلماسی از این مدل و رسانه‌های اجتماعی را ارائه می‌دهد. آنچه که امروزه از روند حرکت‌های جهانی قابل فهم است، ارتقاء جایگاه دیپلماسی در سیاست جهانی است و به نظر می‌رسد در آینده، دیپلماسی از جایگاه والاتری نیز برخوردار خواهد شد. اگرچه این دیپلماسی بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در گذشته وجود داشته است. اکثر دولت‌های امروزی نیز فاقد یک استراتژی مناسب برای بهره‌برداری و سازگاری با واقعیات جهانی جدید می‌باشند. آنچه که جهان جدید را متفاوت از گذشته می‌سازد چیزی نیست جز تحول بنیادین در عرصه ارتباطات و اطلاعات که ماهیت بسیاری از مفاهیم از جمله قدرت را تغییر داده است.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم ارتباطات سیدحامد عاملی با راهنمایی دکتر زهرا خرازی محمدوندی آذر و مشاوره دکتر افسانه مظفری است.

** نویسنده مسئول، ایمیل: aamelil10@yahoo.com

*** ایمیل: cyber.diplomacy@gmail.com

**** ایمیل: dr.afsaneh.mozaffari@gmail.com

امروزه اطلاعات پیشاپیش قدرت حرکت می‌کند و این تحول بیانگر وضعیتی شبیه یک رقابت تسلیحاتی در حوزه اطلاعات است. امری که تغییرات سریع فناوری‌های ارتباطی را موجب می‌شود و پرداختن به ماهیت این فناوری‌ها و ارائه تعریف و ساختاری نوین برای مفاهیم اساسی و تاثیرگذار در سرنوشت بشری را ضروری می‌سازد. از جمله این مفاهیم، دیپلماسی است که لازم است آن را در زیرمجموعه تغییرات ماهیت مفهوم کلان‌تری به نام قدرت به مطالعه نشست. در این مجموعه با کشف الگوهای ذهنی موجود در این موضوع با روش کیو تست و تجزیه و تحلیل این الگوها در نهایت «دکترین دیپلماسی شبکه‌ای» با تعریف و ساختاری جدید به عنوان الگویی برای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد گردیده است.

کلید واژگان

تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی، دیپلماسی، دیپلماسی رسانه‌ای.

مقدمه

اینترنت به طور اساسی موجب تغییر در اطلاعات و ارتباطات، دو اصل اساسی در دیپلماسی، شده است. در واقع، اینترنت یکی از عمیق‌ترین تغییرات در دیپلماسی را به همراه داشته است. تحولات مذکور در جامعه مدرن وابستگی متقابل میان بازیگران مهم در سیاست جهانی و تقاضا برای دیپلماسی به عنوان شیوه‌ای از حل و فصل منازعات از طریق مذاکرات و مصالحه را افزایش داده است. از سوی دیگر، در دنیای به هم وابسته اینترنتی، دیپلماسی شیوه کارآمدتری برای حل اختلافات می‌باشد.

موضوع دیگری که به طور برجسته‌ای ظهور و بروز یافته و به طور فزاینده‌ای نیز رو به رشد است حضور نهادهای غیردولتی در عرصه دیپلماسی و تاثیرگذاری آنها در سطح جهانی است. پذیرفته شدن حضور این نهادها در سازمانها و کنوانسیون‌های بین‌المللی و نقش تاثیرگذار آنها در تدوین و تصویب برخی معاهدات و اصول بین‌المللی بیانگر این نقش جدی و گسترده است. بی تردید آنچه که باعث کنار هم آمدن این اجتماعات از کل جهان می‌گردد، شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی است. شناخت این پدیده در عصر جهانی شدن ضرورتی انکارناپذیر در سرنوشت آینده هر اجتماعی است.

در مجموع باید گفت رسانه‌های نوین اجتماعی و ارتباطی اگرچه دیپلماسی را به عنوان روشی برای مدیریت عرصه سیاست بین‌الملل تقویت کرده اما ماهیت، ساختار و نهادهای مرتبط با آن را دستخوش تحولاتی نموده است که هنوز این تغییرات در جریان است و از این رو حضور اثربخش در عرصه جهانی منوط به درک درست ماهیت این تغییر و طراحی درست ساختارها و نهادهای اجرایی آن می‌باشد. این امر که سرنوشت هر جامعه بر آن بستگی تام دارد ضرورت بررسی نحوه ی بهره‌گیری و جایگاه رسانه‌های نوین را در عرصه دیپلماسی مورد تاکید جدی قرار می‌دهد و آن را جزو حیاتی ترین مباحث آینده کشور می‌سازد.

سوالات این تحقیق به دو شکل اصلی و فرعی که عبارتند از نخست، سوالات اصلی یکی اینکه: «کارکرد و جایگاه رسانه‌های نوین و به‌طور ویژه شبکه‌های اجتماعی در عرصه دیپلماسی چیست؟» و دیگری آنکه «جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌گیری از یک دیپلماسی رسانه‌ای اثربخش در عرصه بین‌المللی نیازمند چه رویکردهایی است؟» و سوالات فرعی، نخست آنکه «شبکه‌های اجتماعی چه تغییراتی را در مفهوم و ماهیت قدرت ایجاد کرده‌اند؟» دوم آنکه «مفهوم و ماهیت دیپلماسی چه تاثیری از توسعه ی تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای پذیرفته است؟» سوم، «شبکه‌های اجتماعی چه تاثیری بر دولت‌ها و ساختار نهادهای سیاست خارجی گذاشته‌اند؟» چهارم، «در فرایند جهانی شدن، شبکه‌های اجتماعی چه نقشی در عرصه دیپلماسی جهانی خواهند داشت؟» پنجم، «جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت های رسانه‌های اجتماعی، دیپلماسی رسانه‌ای اثربخشی را اجرا کند؟» و ششم، «جمهوری اسلامی ایران چه پروژه ها و اقداماتی در جهت حضور سازنده در عرصه دیپلماسی بین‌المللی با تاکید بر شبکه‌های اجتماعی باید تعریف و به مرحله اجرا درآورد؟»

۱. مبانی نظری

تبیین جایگاه شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در گام اول نیازمند ارائه ی دقیق تئوری‌هایی است که می‌تواند بستر شکل‌گیری این مفاهیم و فرایندها را تبیین نماید. دیپلماسی در نگاه کلان مفهومی مربوط به حوزه قدرت است. از این رو لازم است تعریف و ساختاری از قدرت که می‌تواند به‌طور دقیق‌تری بیانگر مناسبات قدرت در دنیای امروز

و فردا باشد، ارائه گردد. همچنین ارائه‌ی مدلی برای دیپلماسی رسانه‌ای هدفی جز افزایش قدرت ملی ندارد. از همین رو شناخت قدرت جزو مبانی مورد نیاز این تحقیق است. با تبیین مفهوم و ماهیت قدرت می‌توان تعریفی دقیق‌تر از دیپلماسی نیز مبتنی بر آن ارائه کرد چرا که تعاریف و کارکردهای متنوع و متعددی را برای دیپلماسی برشمرده‌اند و لازم است مبانی نظری مورد نیاز ارائه و روشن گردد. در مرحله بعدی شناخت ماهیت جهان آینده است که اهمیت اساسی در طراحی مدلی کارآمد برای حضور موثر در عرصه جهانی دارد. ماهیت شبکه‌های اجتماعی و کارکردهای آنها و همچنین تغییراتی که در عرصه‌های فردی و اجتماعی توسط این رسانه‌ها به وجود آمده ضرورت تبیین جایگاه آنها در عرصه‌ی دیپلماسی و جهان آینده است که ارائه‌ی مدلی برای دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی مستلزم شناخت دقیق این پدیده‌ها و پیامدهای آن می‌باشد.

الف. ماهیت و مفهوم قدرت

قدرت در دوران مختلف متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک ماهیت و طبیعت متفاوتی داشته است. در دوران کلاسیک، مدرن و پسا مدرن تعاریف و جلوه‌های متفاوتی نموده، اما به نظر می‌رسد آنچه که در جهان امروز و آینده بیشتر بتواند ماهیت آن را تبیین و توصیف کند، نگاه پسامدرنیست‌ها باشد.

از اواخر قرن بیستم به بعد، اندیشه پست مدرنیسم میدان‌دار عرصه تفکر شد. میشل فوکو بیشترین توجه فلسفی خود را بر مفهوم و ماهیت قدرت قرار داده است. دیدگاه وی در باب قدرت به قدری عمیق و گسترده است که علاوه بر دربرگرفتن سایر حوزه‌ها، پایانی بر اندیشه‌های مدرن در این باره تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر، اندیشه‌های پسامدرنی را در زمینه قدرت شاید تنها بتوان، با مراجعه به آرای فوکو مورد تأمل قرار داده و حتی تنها بدان اکتفا نمود.

فوکو برخلاف تفکر مدرن، قدرت را به عنوان چیزی در تملک اعمال‌کنندگان در نظر نمی‌گیرد. فوکو در «انضباط و مجازات» اعلام می‌کند که می‌خواهد به توصیف چگونگی «اعمال قدرت و نه تملک آن» بپردازد. این امر حاکی از آن است که قدرت یک دارایی، ثروت، یا امتیاز نیست. قدرت صرفاً آن چیزی نیست که طبقه مسلط دارای آن و افراد تحت ستم فاقد آن باشند. فوکو ترجیح می‌دهد بگوید که، قدرت یک راهبرد است و تحت سلطگان هم به اندازه

_____ دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در... ◇

سلطه‌گران بخشی از شبکه روابط قدرت و چارچوب اجتماعی خاص هستند. قدرت، همچون راهبرد پیچیده‌ای جاری در سرتاسر نظام اجتماعی به اسلوبی موبیرگه‌وار، هرگز به صورت جامع و جهان شمول جلوه نمی‌کند، بلکه تنها در نقاط موضعی و به عنوان «خرده-قدرت‌ها» جلوه‌گر می‌شود. قدرت چیزی جاگرفته در حاکم و نماد وی شده نیست، بلکه قدرت جامعه را به شیوه‌ای تحت نفوذ خودمی‌گیرد که مغلوب ساختن دستگاه دولت (از طریق یک انقلاب، یا کودتای سیاسی) به خودی خود نمی‌تواند موجب تغییر شبکه قدرت شود. (فوکو، ۱۳۷۰، ۳۴۸-۳۲۷)

در نظام اندیشه فوکو، اصولاً قدرت مانند چیزی محاط که معمولاً زنجیره‌ای عمل می‌کند، تحلیل شده است. این قدرت هرگز در تملک کسی نیست. این شکل از قدرت شبکه‌ای عمل می‌کند و افراد نه تنها در میان تارهای این شبکه در گردشند، بلکه همواره در وضعی قرار دارند که هم به قدرت تن بدهند و هم آن را اعمال کنند. طبق این نگرش، قدرت بر افراد اعمال نمی‌شود؛ بلکه از طریق آنان جریان می‌یابد و این همان چهره چهارم و نرم‌افزارانه دولت و نهادهای سیاسی نیست. از آنجا که همه شرکت‌کنندگان در این شبکه در اعمال قدرت سهم دارند الگوی فرمانروا و اطاعت‌کننده برای درک پدیده جدید قدرت نارسا و ناکافی به نظر می‌رسد.

به عقیده وی مسئله این نیست که قدرت به دست چه کسی اعمال شود. بلکه مهم این است که بدانیم این قدرت چگونه و با چه مکانیسمی اعمال می‌شود. در اینجا است که مسئله‌ی «استراتژی‌های قدرت» در اندیشه فوکو مطرح می‌شود، استراتژی‌ها، شبکه‌ها و ساز و کارها و فنونی که هر تصمیمی به کمک آنها پذیرفته می‌شود و هیچ تصمیمی از طریق آنها جز به همان صورتی که گرفته شده گرفته نمی‌شود. (رهبری، ۱۳۸۵) یعنی قدرت قبل از اینکه اعمال زور باشد، ایجاد نوعی رابطه است که در تعریف نهایی قدرت دخیل است.

ب. جامعه شبکه‌ای کاستلز

بررسی ساختارهای اجتماعی نوظهور در حوزه‌های مختلف فعالیت و تجربه انسانی ما را به نتیجه‌ای فراگیر رهنمون می‌سازد. به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز بیش از پیش پیرامون شبکه‌ها سازمان می‌یابند. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و

نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. در حالیکه شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته است، پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات بنیان مادی گسترش فراگیر آن را در سرتاسر ساختار اجتماعی فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، به نظر من این منطق شبکه‌ای عزمی اجتماعی ایجاد می‌کند که مرتبه آن از سطح منافع اجتماعی به خصوصی که از طریق شبکه بیان شده‌اند فراتر است: قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد. غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها، منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه‌ی ما هستند. جامعه‌ای که به این ترتیب می‌توان آن را به درستی جامعه‌ی شبکه‌ای نامید که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی برکش اجتماعی است.

شبکه‌ها ساختارهایی باز هستند که می‌توانند بدون هیچ محدودیتی گسترش یابند و نقاط شاخص جدیدی را در درون خود پذیرا شوند تا زمانی که این نقاط توانایی ارتباط در شبکه را داشته باشند یعنی مادام که از کدهای ارتباطی مشترک (برای مثال ارزشها یا اهداف کارکردی) استفاده می‌کنند. یک ساختار اجتماعی مبتنی بر شبکه، سیستم بسیار باز و پویایی است که بدون اینکه توازن آن با تهدیدی روبرو شود توانایی نوآوری دارد. شبکه‌ها ابزار مناسبی برای فعالیت‌های مختلف هستند. برای اقتصاد سرمایه‌داری که مبتنی بر نوآوری، جهانی شدن، و تراکم غیرمتمرکز است؛ برای کار، کارگران، و شرکت‌های متکی به انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق، برای فرهنگ کتکی به ساخت‌شکنی و تجدید ساختار بی‌پایان، برای حکومتی که با پردازش فوری ارزشها و حالات عمومی جدید سازگار شده است، و نیز برای سازمانی اجتماعی که در پی الغای مکان و نابودی زمان است. (کاستلز، ۱۳۸۰)

پ. نگاهی به مفهوم دیپلماسی

در بیان مفهوم و ماهیت دیپلماسی موارد بسیار متنوعی ارائه شده است. اما تمامی این تعاریف هدف مشخصی را دنبال می‌کند و آن پیشبرد سیاست خارجی است. (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۴) سیاست خارجی هر کشور نیز مجموعه‌ای از اهداف و راهبردهایی است که به منظور تامین منافع ملی دنبال می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان آن را مجموع اصول و اهدافی دانست که هر دولت در رابطه با دولت‌های دیگر در نظر می‌گیرد.

از منظری دیگر از قرن هفده به بعد تعریفی دیگر بر مبنای کارکرد دیپلماسی ارائه می‌شود و آن هنر مذاکره دیپلماسی به عنوان شیوه‌ای برای درک آنچه روابط بین‌الملل شناخته می‌شد به کار گرفته شد: روابط میان دولت-ملت‌ها در نظام بین‌المللی و همچنین ویژگی‌های خود نظام بین‌الملل. اما در تمامی دوران جنگ سرد، پارادایم نورئالیستی امنیت دوقطبی همگام با گفتمان نولیبرال جهانی شدن حرکت می‌کرد. نورئالیسم هم با تمرکز نظری بر امنیت و نولیبرالیسم با تمرکز بر همکاری بین‌المللی در تلقیات دولت محور با هم اشتراک داشته و از روش‌شناسی عقل‌گرایانه تجربی بهره می‌گرفتند. ظهور نولیبرالیسم در دهه ۱۹۷۰ با تقویت نوارهای سنتی، بر ظهور نهادهای چندجانبه به عنوان تحمیل‌کننده همکاری میان دولت‌ها تمرکز داشت (Lee and Hudson, 2004, 343-360).

اگر این رویکردها را در قالب رهیافت پوزیتویستی (اثبات‌گرایی) که دیپلماسی را در چهارچوب روابط امنیتی میان دولت‌ها قرار می‌دهد تقسیم‌بندی کنیم، از بعد جنگ جهانی دوم تا کنون رویکرد دیگری نیز به وجود آمده است که می‌توان آن را رهیافت پست پوزیتویستی (پسااثبات‌گرایی) دانست. این رهیافت که دربردارنده طیف گسترده‌ای از عوامل و فرایندها بوده و کارکردهای اصلی دیپلماتیک یعنی نمایندگی و برقراری رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه پست پوزیتویستی دیپلماسی، کار خود را با نفی این فرضیه که برداشت‌ها از دیپلماسی باید ریشه در روابط دولت‌های حاکم سرزمینی داشته باشد آغاز می‌کنند. و این سوال را مطرح می‌سازند که در چه شرایطی مردم از اصطلاحاتی نظیر دیپلماسی و دیپلمات استفاده کرده و اینکه در واقع این اصطلاحات در چه شرایط و زمینه‌هایی ایجاد شده‌اند (کر و وایزمن، ۱۳۹۲، ۱۰۵).

در واقع بسیاری از مردمان دیگر بدون اینکه دیپلمات نامیده شده یا درگیر فعالیت‌های دیپلماسی شوند برای توافق میان منافع خاص و عام به نمایندگی از دیگران پرداخته، مذاکره کرده، گزارش می‌دهند و دست به ایجاد ائتلاف می‌زنند. با رشد سریع تکنولوژی‌های ارتباطی و ناتوانی دستگاه‌های رسمی دیپلماسی در رقابت با این تکنولوژی‌ها، شکل نوینی از دیپلماسی با بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی وارد عرصه معادلات بین‌المللی گردیده که از آن به «دیپلماسی رسانه‌ای» تعبیر می‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای را می‌توان در دو محور دنبال کرد: اول

تاثیر رسانه‌ها بر دیپلماسی و دوم کارکرد دیپلماتیک رسانه‌ها.

در حوزه دیپلماسی آن چنان که بیان گردید شاهد دو رویکرد متفاوت هستیم که عبارتند از:
۱- رویکرد دولت محور به دیپلماسی و دیپلماسی رسانه‌ای، ۲- رویکرد غیردولتی به دیپلماسی و دیپلماسی رسانه‌ای.

شاید بتوان چنین توضیح داد که تا زمانیکه تکنولوژی‌های ارتباطی مبتنی بر وب ۱ بودند و حاکمیت دولت‌ها به صورت مطلق در محدوده‌های سرزمینی و عرصه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شد رویکرد دولت محور مورد توجه جدی بود. اما با توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و ظهور فناوری‌های مبتنی بر وب ۲ و توسعه نقش و نفوذ بازیگران غیردولتی و همچنین توسعه رسانه‌های اجتماعی و فردیت بشر، به تدریج قدرت حاکمیتی دولت‌ها و مرزهای جغرافیایی کم رنگ گردید و توزیع قدرت در سطح شبکه‌ها پدید آمد. بدین ترتیب رویکرد غیردولتی مورد توجه قرار گرفت و پیش بینی می‌شود با توسعه بهره‌گیری انسان‌ها از رسانه‌های اجتماعی و فرایندهای جهانی شدن روز به روز رویکردهای غیردولتی تقویت و ابعاد جدیدی از این رویکرد در این عرصه ظهور و بروز یابد. از این رو توجه به این مقوله و ایجاد ساز و کارهای مبتنی بر این رویکرد می‌تواند زمینه حضور قدرتمند در عرصه بین‌المللی را فراهم سازد.

۲. روش تحقیق

روش انتخاب شده برای اجرای این مقاله روش کیو میباشد. به نظر بسیاری از اهالی و اساتید روش شناسی، روش کیو به دلیل فلسفه روش و نوع اجرای آن، یکی از بهترین روش‌ها برای سنجش وجود انواع الگوهای ذهنی و اعتقادات افراد در یک جامعه آماری است که بسیاری از مشکلات روشی مانند روش‌های پیمایشی را در سنجش‌های اجتماعی دارا نیست. امروزه روش کیو یکی از روش‌های معمول در حوزه پژوهش‌های ارتباطات است. یکی از علل گستردگی روش کیو در حوزه ارتباطات بحث برای نظام‌های ابداع رسانه و سنجش نگاه‌های سرآمدان و نخبگان جامعه به مقولات رسانه‌ای است. (نقیب السادات، ۱۳۹۱، ۱۳۴)

در این روش ابتدا باید فضای گفتمان را شکل داد. برای رسیدن به فضای گفتمان در این پژوهش ذهنیت‌ها و تئوری‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در فضای گفتمان گنجانده

_____ دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در... ◇

شد. همچنین نظر فعالان و صاحب‌نظران عرصه دیپلماسی و رسانه‌ای با ارال سوالات و جمع‌آوری مصاحبه‌ها، گفتگوها و سخنرانی‌ها از روزنامه‌ها و سایت‌های داخلی و خارجی صورت گرفت که نهایتاً به ۲۰۰ گزاره منجر گردید.

در مرحله بعد، دو مرتبه برای رسیدن به گویه‌های کیوی معرف فضای گفتمان، تلاش گردید و در هر مرتبه از داورانی آشنا با این حوزه‌ها برای ارزیابی نمونه گیری انجام شده درخواست قضاوت و ارزیابی شده و ارزیابی آنها اعمال گردید؛ در نهایت ۷۱ گویه به دست آمد که به نظر می‌رسید کل فضای گفتمان را پوشش داده است. سپس گویه‌ها به تعدادی از فعالان و صاحب‌نظران عرصه دیپلماسی و رسانه ارسال گردید تا در قالب نمونه کیو با ساختار نظرات خود را ارائه دهند.

۳. یافته‌های تحقیق

در این بخش باید با بررسی داده‌های گردآوری شده به تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها پرداخته و در نهایت سه سوال اصلی را پاسخ می‌دهیم:

۱- در میان این دیدگاه‌های مختلف ارائه شده، کدام الگوهای ذهنی را در بین مشارکت‌کنندگان می‌توان شناسایی و ارائه کرد؟

۲- در هر یک از این الگوهای ذهنی، کدام گویه‌ها دارای ارزش بالاتری هستند به عبارت دیگر موجب تمایز در بین مشارکت‌کنندگان گردیده‌اند؟

۳- به کدام گویه‌ها، مشارکت‌کنندگان بیشتری امتیاز مشابه و یکسانی داده‌اند؟
پاسخ این سوال‌ها به ما کمک خواهد کرد تا با بررسی آنها الگوهای ذهنی مختلف را در خصوص جایگاه رسانه‌های اجتماعی در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

ابتدا از طریق نرم‌افزار SPSS همبستگی افراد مشارکت‌کننده دو به دو با همدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. مبنای روش تحلیل عاملی داده‌های کیو بررسی همبستگی بین افراد است و افراد به جای متغیرها دسته‌بندی می‌شوند،

با مشاهده میزان همبستگی بین افراد شرکت‌کننده و همچنین بررسی سطح معناداری آنها در سطح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ می‌توان مقدار همبستگی‌های قوی بین آنها را تشخیص داده و به

دسته‌بندی متغیرها پرداخت که این فرایند از طریق نرم‌افزار SPSS با روش مولفه‌های اصلی^۱ به استخراج عامل‌ها منجر گردید.

سپس برای بررسی سهم هر الگوی ذهنی از کل ذهنیت‌ها واریانس کل مورد محاسبه قرار می‌گیرد که با در نظر گرفتن موارد فوق الگوهای ذهنی شماره ۱ تا ۸ حدود ۷۰ درصد ذهنیت‌های حاکم بر موضوع را مورد تبیین قرار می‌دهند.

با تعیین الگوهای ذهنی مهم، موضوع دیگری که باید مشخص شود گویه‌هایی است که در هر کدام از این عامل‌ها مهم بوده و عامل تمایز این ذهنیت‌ها از همدیگر شده‌اند. برای رسیدن به این هدف باید ستون امتیازهای عاملی را به دست آورد که با بررسی این امتیازها گویه‌های مهم تشکیل دهنده هر یک از الگوهای ذهنی را تعیین کرده و با بررسی آنها می‌توان هشت الگوی ذهنی را با دیدگاه‌های زیر معرفی نمود:

جدول ۳-۱- خلاصه دیدگاه‌های مطرح در هر کدام از الگوهای ذهنی

شماره الگو	درصد از واریانس	دیدگاه
۱	۱۰	رسانه‌های اجتماعی ابزار مهم کنترل عقاید و افکار هستند که در عصر اطلاعات روز به روز تکامل می‌یابند. دیپلماسی رسانه‌ای نیز از ضرورت حضور در قدرت جهانی کنونی است. هنوز دولت‌ها و مسائل ملی مهم هستند و دیپلماسی رسانه‌ای دولت محور باید انجام شود. ج. ا. ا. دارای پتانسیل لازم برای تبدیل به قدرت نوظهور در دنیا است ولی به جهت فقدان متولی برای طراحی و اجرای دیپلماسی رسانه‌ای و فقدان نقشه راه برای آن و عدم تسلط بر قواعد آن و همچنین فقدان درک درست است. دستگاه دیپلماسی از رسانه و دیپلماسی رسانه‌ای هنوز نتوانسته از این ابزار مهم بهره‌برداری نماید. لذا شورای عالی امنیت ملی باید مرکزی برای دیپلماسی رسانه‌ای ایجاد کند. (دولت محور- تاکید بر ایجاد ساختار و متولی- توجه به داخل)
۲	۱۰	دیپلماسی ابزار مهم حل و فصل منازعات در جهان کنونی است. دیپلماسی رسانه‌ای نیازمند نگاه کلان و ادبیات جهانی برای مخاطبان بین‌المللی و همچنین خبرنگاران بین‌المللی و رسانه‌هایی در تراز جهانی است که ما این ظرفیت‌ها را در ج. ا. ا. ایجاد نکرده ایم. رسانه‌ها عمدتاً جناحی بوده و فاقد تعریف منافع ملی هستند. رسانه ملی هم در انتقال معانی سیاست‌های ج. ا. ا. چندان موفق نبوده است. راهکار مناسب همکاری مشترک با رسانه‌های خارجی و ایجاد بلوک‌های رسانه‌ای برای ظرفیت‌سازی در این حوزه است. (رسانه محور- تاکید بر توسعه رسانه‌های فراملی - غیردولتی)

^۱. Prin Cipal Components

۳	۱۰	کشورهایی که در دنیا قدرتمند هستند استفاده مناسبتری از شبکه‌های اجتماعی دارند. با رسانه‌های اجتماعی می‌توانیم بدون واسطه با مردمان جهان صحبت کنیم و بر سلطه رسانه‌های غرب غلبه کنیم. مذاکرات هسته‌ای فرصت مناسبی بود تا بتوانیم ظرفیت‌های خود را در این عرصه ارائه کرده و جهانیان را با واقعیات ایران بیشتر آشنا کنیم ولی نتوانستیم استفاده مناسبی از این فرصت‌ها داشته باشیم. صدا و سیما ظرفیت تبدیل شدن به یک رسانه نقش‌آفرین در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ا را دارد و باید با رفع نقاط ضعف خود و ایجاد ساختارهای لازم نقش اساسی خود را در این زمینه به نحو کاملتر انجام دهد. (رسانه محور - تاکید بر رسانه ملی - توجه به داخل)
۴	۱۰	شبکه‌های اجتماعی نقش اساسی و بنیادین در دیپلماسی جهان آینده خواهند داشت و از طرف دیگر نقش دولت‌ها در عرصه‌ی دیپلماسی بین‌الملل کاهش یافته و بازیگران غیردولتی به بازیگران مهم در عرصه سیاست جهانی در آینده تبدیل خواهد شد. از این رد بر نقش دیپلماسی شبکه‌های اجتماعی در تقویت اعتماد و درک بین مردمان جهان و ایجاد دولت‌هایی فراتر از منافع سیاسی و اقتصادی تاکید می‌گردد. (عدم توجه به داخل - غیردولتی)
۵	۸	دولت‌ها تعیین کننده اصلی روندهای دیپلماتیک هستند. و ج.ا.ا نیز از طریق دیپلماسی رسانه‌ای با بهره‌گیری از رسانه‌های مجازی می‌تواند برای ایجاد همگرایی و حل و فصل تعارضات در عرصه بین‌المللی اقدام کند. اگرچه سازمان صدا و سیما به دلیل محدودیت‌های خاصی امکان نقش‌آفرینی در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ا را ندارد. (دولت محور - استفاده ابزاری از رسانه‌های مجازی و نه نقش تعیین کننده)
۶	۸	از دیپلماسی رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی برای تاثیر بر افکار عمومی باید استفاده کرد. دیپلماسی رسانه‌ای رسانه ملی دارای این ظرفیت بوده و به نحو مناسبی عمل کرده است. از شبکه‌های اجتماعی برای دیپلماسی کنسولی هم می‌توان بهره‌گیری نمود.
۷	۷/۵	دیپلماسی رسانه‌ای از ضرورت‌های حضور ج.ا.ا در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی است. اما ج.ا.ا استفاده مقایسه‌ای از شبکه‌های اجتماعی برای اهداف دیپلماسی نداشته و باید از طریق شبکه سازی بازیگران غیردولتی در دنیا این هدف را دنبال کند. (غیردولتی)
۸	۵/۵	اگرچه در دنیای امروز شبکه‌ای اجتماعی گسترش یافته‌اند اما هنوز دولت‌ها نقش اساسی در عرصه دیپلماتیک دارند. دیپلماسی و شبکه‌های اجتماعی نیز ابزار قدرت‌های امپریالیستی برای مشروعیت بخشی به تصمیمات و اصول مورد نظر آنان است اما سابقه‌ی فرهنگ و تمدنی و گفتمان اصیل انقلاب اسلامی می‌تواند از طریق شبکه‌های اجتماعی با تاثیر بر مسائل اجتماعی بر دیپلماسی عمومی هم تاثیرگذار باشد. (دولت محور)

با توجه به جمع‌بندی دیدگاه‌های ارائه شده در هر کدام از الگوهای ذهنی با بررسی نقاط اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها می‌توان به تبیین نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی از دیدگاه مشارکت کنندگان این پژوهش و سهم دیدگاه مورد نظر از میان کل الگوهای ذهنی مطروحه پرداخت.

جدول ۳-۲- دیدگاه در مورد تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای (رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی)

شماره الگوهای ذهنی	درصد	دیدگاه
۱-۲-۳-۴-۷	۶۸٪	رسانه‌های اجتماعی از پدیده‌های عصر اطلاعات بوده و روز به روز در تکمیل و توسعه می‌یابند. شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی جهان آینده نقش اساسی و بنیادین خواهند داشت.
۶-۵-۸	۳۲٪	شبکه‌های اجتماعی یکی از ابزارهایی هستند که در دنیای امروز لازم است از آن برای رسیدن به اهداف سیاست خارجی استفاده کرد.

جدول ۳-۳- دیدگاه در مورد دیپلماسی رسانه‌ای

شماره الگوی ذهنی	درصد	دیدگاه
۱-۲-۳-۴-۷	۶۸٪	دیپلماسی رسانه‌ای از ضرورت‌های اساسی برای حضور در عرصه بین‌المللی و از مهم‌ترین امور کسب قدرت در عرصه جهانی است.
۶-۵	۲۳٪	دیپلماسی رسانه‌ای فرصت‌هایی در اختیار دولت‌ها برای حل و فصل تعارضات بین‌المللی قرار می‌دهد.
۸	۹٪	دیپلماسی رسانه‌ای ابزار قدرت‌های امپریالیستی است ولی جمهوری اسلامی ایران به جهت سوابق فرهنگی و تاریخی می‌تواند از آن برای نقش‌آفرینی استفاده کند.

جدول ۳-۴- به کارگیری رسانه‌های نوین و دیپلماسی رسانه‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران

شماره الگوی ذهنی	درصد	دیدگاه
۱-۲-۳-۴-۷	۶۵٪	جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است از تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در جهت کارکردهای دیپلماسی بهره‌گیری نماید. همچنین استفاده مطلوبی از دیپلماسی رسانه‌ای نداشته و برنامه‌ای هم برای آن ندارد.
۴-۸	۳۳٪	باید از رسانه‌های نوین در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران استفاده نماید.
۶	۱۲٪	دیپلماسی رسانه‌ای از طریق رسانه ملی به خوبی عمل شده است.

_____ دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در... ◇

جدول ۳-۵- دولت محور یا غیردولتی بودن دیپلماسی رسانه‌ای

شماره الگوی ذهنی	درصد	دیدگاه
۱-۵-۸	۳۳٪	با توجه به نقش دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، لازم است از طریق دولت‌ها صورت گیرد.
۲-۴-۷	۴۰٪	با توجه به اهمیت روبه رشد بازیگران غیردولتی باید از طریق نهادهای غیردولتی صورت گیرد.
۳-۶	۲۷٪	بدون نظر

جدول ۳-۶- نقاط ضعف و راهکارهای تحقق دیپلماسی رسانه‌ای در کشور

شماره الگوی ذهنی	درصد	دیدگاه
۱	۱۴٪	فقدان متولی برای این موضوع در کشور و ضرورت ایجاد ساختار و نهادی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی
۲	۱۴٪	فقدان ظرفیت‌های لازم در کشور برای دیپلماسی رسانه‌ای و ضرورت ایجاد این ظرفیت‌ها با تدوین ادبیات جهانی و تربیت خبرنگاران بین‌المللی و ایجاد بلوک‌های رسانه‌ای با همکاری‌های رسانه‌ای فراملی
۴-۷	۲۵٪	فقدان نهادها و شبکه‌های غیردولتی در قواره‌های بین‌المللی و ضرورت ایجاد نهادهای غیردولتی با ظرفیت‌های بین‌المللی و همچنین شبکه‌سازی بازیگران غیردولتی در منطقه و دنیا
۶-۳	۲۵٪	وجود نقاط ضعف در رسانه ملی و ضرورت رفع این نقاط و تقویت رسانه ملی برای نقش‌آفرینی و محوریت در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای
۵	۱۱/۵٪	وجود محدودیت‌های قانونی و دولتی بودن و بروکراتیک در صدا و سیما و عدم توانایی برای نقش‌آفرینی در این حوزه و ضرورت استفاده از رسانه‌های جایگزین.
۸	۱۰/۵٪	بدون نظر

برای پاسخ به سوامین سوالی که در یافته‌های تحقیق آوردیم یعنی کدام گویه‌ها بیشترین ارزش مشابه را کسب نموده‌اند. یا به عبارت دیگر بیشتر مورد توافق یا تخالف بوده‌اند نیز می‌توان با بررسی جدول فراوانی ارزش‌گذاری هر یک از گویه‌ها، نتایج زیر را ارائه نمود:

جدول ۳-۷- گویه مورد موافقت

متن	فراوانی (درصد)
بازتاب نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی در کمتر از ۲۴ ساعت در کل جهان و انتشار آن در هشتاد سایت معتبر بین‌المللی بیانگر قدرت رسانه‌های اجتماعی در ایجاد ارتباط بدون واسطه با مردمان جهان بوده و ضرورت بهره‌گیری از این رسانه‌ها در عرصه دیپلماسی ج.ا.ا. با غلبه بر سلطه رسانه‌های غرب را نشان می‌دهد.	۴۲
شبکه‌های اجتماعی موجب انتقال بسیار سریع اطلاعات گردیده و لذا موجب ایجاد محیط مملو از اطلاعات کم قضاوت در مورد آنها دشوار و فشار زیادی برای واکنش سریع وجود دارد می‌شوند. از این رو ضرورت ایجاد ساختارهای مناسب برای تصمیم‌گیری سریع و پردازش اطلاعات بر اساس فرایندهای منظم و تغییرات گسترده سازمانی در تشکیلات دیپلماتیک سنتی می‌گردد.	۳۱
بررسی شاخص‌های سنجش قدرت ملی نشان از آن است که ج.ا.ا. تمامی ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یک قدرت نوظهور را دارد. دیپلماسی رسانه‌ای ضروری‌ترین عنصر برای هموارسازی این راه در عرصه بین‌المللی است از این رو شورای عالی امنیت ملی کشور باید مرکزی را برای تقویت و استقرار این پروژه ایجاد نماید.	۲۷

همچنین گویه ای که دارای بیشترین موافقت و کمترین مخالفت بوده عبارت است از:

متن
تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی از مولفه‌های قدرت است. از این رو هر گروهی بتواند نیازهای اعضای شبکه را شناسایی و برای آن محتوای موثر تولید کند از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود.

در خصوص گویه‌های مورد مخالفت نیز نتایج زیر به دست آمد:

جدول ۳-۸- گویه‌های مورد مخالفت

متن	فراوانی (درصد)
دیپلماسی یعنی تنظیم روابط و منافع و این هیچ ربطی به رسانه‌ها ندارد. اگرچه می‌توانند یکی از عوامل اثرگذار بر تصمیمات باشند. لذا تعاملات دربردارنده‌ی انواع جدیدی از بازیگران دیپلماتیک اصلاً به عنوان دیپلماسی تعریف نمی‌شود و بازکردن درهای دیپلماسی به روی سایر بازیگران از ضعف بوده و به ویژه دیپلماسی عمومی انحرافی تاسف آور از وظایف دیپلماتیک اصلی و مضر برای ماموریت‌های دیپلماتیک می‌باشد.	۳۸
جنگ عراق و افغانستان نشان داد که هنوز اجبار و تهدید گزینه‌های مهم‌تر از دیپلماسی	۳۴

برای حل و فصل منازعات در برخی نقاط جهان می‌باشند.	
با چنین گستردگی شبکه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی مفهومی در حوزه دیپلماسی، در جهان آینده هر کسی با داشتن یک وسیله‌ی ارتباطی کوچک همچون رایانه دستی و حتی تلفن همراه می‌تواند در حوزه دیپلماسی وارد شود و در نقش یک دیپلمات عمل کند.	۲۷

همچنین گویه‌ای که هیچ موافقتی با آن وجود نداشته است:

متن
نقش شبکه‌های اجتماعی در عرصه‌ی دیپلماسی صرفاً می‌تواند نقش اطلاع‌رسانی باشد و سایر کارکردها ارتباطی با حوزه دیپلماسی ندارد.

با بررسی فراوانی گویه‌های هم ارزش در حوزه موافقت‌ها نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- ضرورت استفاده از شبکه‌های اجتماعی در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای برای غلبه بر سلطه رسانه‌ای غرب.
 - ۲- ضرورت ایجاد ساختار سازمانی و تشکیلاتی برای دیپلماسی رسانه‌ای.
 - ۳- ضرورت شناخت دقیق شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوا در هر شبکه به تناسب مخاطبان به عنوان مولفه اصلی قدرت در این عرصه.
- با بررسی فراوانی گویه‌های هم ارزش در حوزه مخالفت‌ها، نیز به موارد زیر تاکید گردیده است:
- ۱- دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای از ضرورت‌های حضور در عرصه دنیای امروز است.
 - ۲- دیپلماسی روشی مهم برای حل و فصل منازعات در دنیای امروز است.
 - ۳- کارکرد شبکه‌های اجتماعی در حوزه دیپلماسی چندبعدی و وسیع می‌باشد.
 - ۴- فعالیت در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای نیاز به افراد حرفه‌ای و آموزش دیده دارد.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از جداول فوق روشن است کل الگوهای ذهنی به دست آمده در این تحقیق استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را ضروری می‌دانند همچنین کل الگوهای اشاره شده دیپلماسی رسانه‌ای را ابزاری برای دستیابی به قدرت جهانی بیان کرده‌اند. ۶۵٪ از الگوهای ذهنی بر عدم استفاده جمهوری اسلامی ایران از رسانه‌های جدید در عرصه دیپلماسی و بی

توجهی به دیپلماسی رسانه‌ای تاکید کرده و ۸۸٪ معتقدند که جمهوری اسلامی ایران باید از رسانه‌های نوین در جهت دیپلماسی رسانه‌ای بهره‌برداری مناسب تری به عمل آورد. همچنین ۴۰ درصد از دیدگاه‌ها بر ضرورت توجه به بازیگران غیردولتی و ۳۳٪ بر اجرای برنامه‌های دیپلماسی رسانه‌ای از طریق دولت تاکید دارند. در خصوص نقاط ضعف و راهکارها نیز ۱۴٪ شکل فقدان ساختار سازمانی، ۱۴٪ مشکلات فقدان نیروی انسانی و محتوای مورد نیاز ۲۵٪ بر فقدان نهادهای غیردولتی متناسب، ۲۵٪ بر ضرورت توانمندسازی رسانه ملی و ۱۱/۵ درصد هم بر عدم کارآمدی رسانه ملی تاکید نموده‌اند.

همان طور که مشاهده گردید نتایج حاصل از بررسی فراوانی‌ها نیز که نظر اکثریت غالب مشارکت کنندگان می‌باشد بر نتایج پیشین دلالت کرده و آنها را تقویت می‌نماید. با جمع‌بندی موارد فوق می‌توان ۵ گفتمان غالب را به شرح زیر از میان فضای گفتمان تحقیق برای این پژوهش استخراج نمود:

۱- رسانه‌های اجتماعی در عصر ارتباطات و اطلاعات از پدیده‌های مهم بوده و روز به روز توسعه و تکمیل پیدا خواهند کرد.

۲- دیپلماسی ابزار مهم حل فصل منازعات در جهان کنونی است و در آینده از جایگاه بالاتری برخوردار خواهد بود.

۳- دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای از مهم‌ترین ابزارهای کسب قدرت در عرصه جهان و از الزامات حضور در عرصه بین‌المللی است.

۴- اگرچه دولت‌ها هنوز در عرصه بین‌المللی بازیگر مهمی به شمار می‌روند اما با توجه به اهمیت روبه رشد بازیگران غیردولتی، شکل‌گیری و اثربخشی دیپلماسی بدون توجه به نقش موثر بازیگران غیردولتی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۵- جمهوری اسلامی ایران تاکنون برنامه‌ای در خصوص دیپلماسی رسانه‌ای نداشته و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی نقشی در دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران نداشته‌اند و این امر می‌تواند موجب ناکامی در عرصه دیپلماسی بین‌المللی باشد. از این رو توجه به این مقوله بسیار مهم با توجه به پتانسیل‌های معنایی و گفتمانی امری حیاتی برای کشور می‌باشد.

حال با نگاهی به چارچوب نظری تحقیق به تحلیل و تفسیر گفتمان‌های فوق می‌توان

پرداخت:

آن‌گونه که گفتیم فوکو قدرت را چیزی در تملک اعمال کنندگانش نمی‌دانست و اصولاً قدرت از نظر او یک دارایی، ثروت و یا امتیاز نیست. قدرت صرفاً آن چیزی نیست که طبقه مسلط دارای آن و افراد تحت نظم فاقد آن می‌باشند. قدرت بر افراد اعمال نمی‌شود بلکه از طریق آنان جریان می‌یابد و از این رو قدرت در همه جا هست و در سرتاسر فضای اجتماعی توزیع شده است. این شکل از قدرت به صورت شبکه‌ای عمل می‌کند و افراد نه تنها در میان تارهای این شبکه در گردشند بلکه همواره در وضعی قرار دارند که هم به قدرت تن بدهند و هم آن را اعمال کنند.

کاستلز نیز با بهره‌گیری از دیدگاه‌های پست مدرن و به ویژه فوکو قدرت را عمدتاً ساخت معانی در اذهان انسانی از طریق فرایندهای ارتباطی وضع شده در شبکه‌های چندرسانه‌ای جهانی، محلی و از جمله رسانه‌های ارتباطات توده‌ای دانسته و معتقد است در درجه اول وابسته به جریان اطلاعات و تصاویر پردازش شده در شبکه‌های ارتباطی است و شبکه‌های ارتباطی قدرت شبکه‌ای را بر پیام‌هایی که منتقل می‌کنند اعمال می‌نمایند و از این رو کاستلز شبکه‌های ارتباطی را شبکه‌های اصلی ایجاد قدرت در جامعه می‌داند.

با چنین نگاهی به جهانی که در آن هستیم و جهانی که در حال ساخته شدن است، تکنولوژی‌های ارتباطی به عنوان بستر و اساس جریان شبکه‌های اجتماعی روزافزون خواهد یافت و چنین اهمیتی، توسعه‌ی روزافزون آنها را موجب خواهد شد. از این رو با چنین رویکردی شناخت تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای و بسترسازی برای بهره‌گیری مناسب از این رسانه‌ها ضرورتی بنیادین در نگاه استراتژیست‌ها و کسانی است که می‌خواهند در ساخت جهان آینده نقشی ایفا نمایند. چرا که اساس قدرت از منظر فوکو که دیپلماسی نیز ظهور و نمودی از آن است در ایجاد دسترسی به کسانی است که می‌خواهید تحت قدرت شما باشند و این همان قدرت است که کاستلز آن را با ارتباط معنادار می‌داند.

قدرت شبکه‌ای اگر ساخت معانی در اذهان انسانی است، رسیدن به اجماع و مکانیزمی برای حل و فصل مناقشات و یا تامین امنیت نیز جز از طریق چنین رهیافتی امکانپذیر نخواهد بود، آنچنان که شارپ نیز بیان می‌دارد، امروز دیپلماسی در حال بازگشت به صحنه اصلی است

(Sharp, 2011, 659-696). از این رو به نظر می‌رسد دیپلماسی جایگاهی والا پیدا خواهد کرد، اما با ماهیتی متفاوت، تغییری که جفری وایزمن از آن به دیپلماسی بیش‌جانبه یاد می‌کند (Wiseman, 2010, 24-30) و اصطلاحی که به خوبی توصیف‌کننده ماهیت در حال تغییر دیپلماسی در عصر معاصر و آینده است. دیپلماسی امروزیه در حال اجتماعی شدن است و یا همان‌گونه که جان کلی می‌گوید: درگیر حوزه عمومی شده است (Kelley, 2010, 289). مسائل تاثیرگذار بر زندگی روزمره شهروندان که جایی در دیپلماسی کلاسیک نداشت هم اکنون در راس برنامه‌های وزارتخانه‌های خارجی و دیپلمات‌هاست و دیگر نمی‌توان میان دیپلماسی و دیپلماسی عمومی تمایزی قائل شد. این همان شرایطی است که در جامعه شبکه‌ای انتظار شکل‌گیری آن می‌رود.

با بهره‌گیری از نتایج حاصل از این پژوهش و همچنین تحلیل و تفسیری که بر این یافته‌ها رفت به دنبال آنیم که مدلی پیشنهادی برای بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت رسانه‌های اجتماعی و حضور سازنده در عرصه‌ی دیپلماسی بین‌المللی ارائه دهیم. بدیهی است این مدل به عنوان یک دکترین باید الگویی تبیینی در خصوص جایگاه تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد. با بهره‌گیری از میراث علمی فوکو و کاستلز و آنچه که از آنها در مفهوم قدرت و ساختار جامعه جهانی پیش رو یاد گرفتیم این دکترین تحت عنوان «دیپلماسی شبکه‌ای» ارائه می‌شود.

در جهان شبکه‌ای که شبکه‌ها از نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی تشکیل یافته‌اند و بسترهای ارتباطی و رسانه‌ای زمینه شکل‌گیری سریع و رشد بازیگران غیردولتی و پیوستن آنها به شبکه را فراهم نموده است، دیپلماسی جز با بهره‌گیری از این رسانه‌های اجتماعی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی امکان شکل‌گیری و کامیابی نخواهد داشت. حتی دولت‌ها به عنوان یکی از اعضای شبکه‌ها در جامعه شبکه‌ای ناگزیر از توجه به سایر اعضای شبکه در بستر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی هستند و در غیر این صورت نوعی خود محرومیتی را ایجاد خواهند کرد و ارزیابی درستی از موقعیت خود و جهان کنونی و آینده نخواهند داشت. از این رو دیپلماسی شبکه‌ای علاوه بر ایجاد یک دیپلماسی تعاملی، شناخت بهتری از جهان و دیگران در اختیار طرفین قرار می‌دهد و امکان درک متقابل و ایجاد روابطی فراتر از منافع سیاسی و اقتصادی را

_____ دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در... ◇

امکان‌پذیر می‌سازد. به‌طور خلاصه می‌توان ماهیت و مختصات این دکترین را به‌صورت زیر بیان نمود:

جدول ماهیت دیپلماسی شبکه‌ای

دکترین دیپلماسی شبکه‌ای	چیستی	دارای ماهیت شبکه‌ای
		اعضای شبکه‌ها اجزای متنوع و متعدد دولتی و غیردولتی، حقیقی و حقوقی
		تاثیر رویدادها بر شبکه‌های خود و شبکه‌های دیگر
	چرایی	کاهش قدرت دولت‌ها و افزایش قدرت نهادهای غیردولتی
		فقدان همگرایی جهانی و ضرورت غلبه بر این تمایزها
		به وجود آمدن دنیایی متکثر از شبکه‌های مختلف و در سطوح متفاوت
	چگونگی	تفکیک نظام دیپلماتیک ملی و دیپلماسی دولت محور
		ایجاد مرکزی فرابخشی برای تدوین استراتژی‌های، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دیپلماسی شبکه‌ای
		تربیت منابع انسانی مورد نیاز
		تشکیل نهادهای غیردولتی در حد توان بین‌المللی و ایجاد شبکه‌های داخل کشور و خارج از کشور
تجدید ساختار در نهادهای مهم دولتی مرتبط با دیپلماسی رسانه‌ای و شبکه‌ای		

دیپلماسی شبکه‌ای ایجاد ارتباط با شبکه‌های مختلف و یا پیوستن به شبکه‌های دیگر به نحوی اثربخش برای رسیدن به یک هدف تعیین شده است. این دیپلماسی شکلی از دیپلماسی میان بازیگران دولتی و غیردولتی است که مسائل موردتوجه بازیگران را در شبکه‌های مختلف مورد شناسایی قرار داده و به برنامه‌ریزی و مدیریت این مسائل و یا نیازهای اعضای شبکه می‌پردازد. در مجموع می‌توان گفت دیپلماسی شبکه‌ای، تشکیل، شناخت، ارتباط گیری، اقناع و بسیج شبکه‌ها و اعضای آنها در راستای رسیدن به اهداف تعریف شده برای دیپلماسی است. باید توجه نمود که جامعه شبکه‌ای دنیایی متکثر از شبکه‌های مختلف و در سطوح متفاوت با عضویت‌های مختلف و دیدگاه‌های متفاوت است. شکاف‌های فرهنگی و ساخت‌های هویتی هم‌نشانه‌هایی از فقدان همگرایی جهانی هستند که غلبه بر این تمایزهای ساکنین این جهان در حال ظهور، اساس کار دیپلماسی شبکه‌ای است.

این دیپلماسی که بخش مهم آن را نهادهای غیردولتی، رسانه ها و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و افراد تاثیرگذار در حوزه رسانه و فرهنگ و اجتماع و سیاست و اقتصاد به عنوان شبکه تشکیل می‌دهند امری فراتر از دیپلماسی رسانه‌ای دولت محور است. از این رو در مرحله اجرا آنچه که در گام اول ضرورت دارد تفکیک نظام دیپلماتیک ملی از دیپلماسی دولت محور است. باید بین ساختار وزارت خارجه که دیپلماسی دولت محور را برعهده دارد و نظام دیپلماتیک ملی که مجموعه‌ای از نهادهای غیردولتی و بازیگران مختلف در عرصه داخلی و بین‌المللی است و البته نهادهای دولتی را هم در بر می‌گیرد تمایز قایل شد. در مرحله بعد تجدید ساختار این نهادها و تشکیل نهادهای مرتبط با ماهیت دیپلماسی شبکه‌ای از ضرورت‌های نقش‌آفرینی در عرصه قدرت در جهان آینده است.

_____ دیپلماسی شبکه‌ای به مثابه دیپلماسی آینده: نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در... ◇

منابع فارسی

- آلاپوش، علی و علیرضا توتونچیان (۱۳۷۲)، *دیپلمات و دیپلماسی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۵)، «معرفت و قدرت: هویت یگانه و یا چندگانگی هویتی»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳، تابستان، صص ۹۸-۷۳.
- فوکو، میشل (۱۳۷۰)، *قدرت انضباطی و تابعیت، در استیون لوکس، قدرت فرانشانی یا نشر شیطان*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، طرح نو، جلد اول.
- نقیب‌السادات، علیرضا (۱۳۹۱)، *روش‌های تحقیق در ارتباطات*، جلد دوم، تهران، انتشارات نشر علم.
- وایزمن جفری و پارلین کر (۱۳۹۲)، *دیپلماسی در عصر جهانی شدن: از تئوری تا عمل*، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.

English Source

- Kelley, J.R. (2010), "The New Diplomacy: Evolution of a Revolution?", *Diplomacy & Statecraft*, 21(2).
- Lee, D. and D. Hudson (2004), "The Old and New Significance of Political Economy in Diplomacy", *Review of International Studies*, 30 (3).
- Sharp, E. (2011), "Diplomats, Diplomacy, Diplomatic studies, and the Future of International Relations and International Studies", *International Studies Review*, 13(4): 695-98.
- Wiseman G. (2010), "Polateralism Diplomacy's third Dimension", *Public Diplomacy Magazine*, Summer.

